

## مسئله‌ای از خط خروشتی<sup>۱</sup>

نوشته: هارولد و. بیلی

ترجمه: سعید عریان

اهمیت آرامی، چه در خط، و چه در زبان، در شرق قرن پایانی پیش از میلاد و نیز در اولین قرون مسیحی، در حال حاضر به خوبی مسلم شده است. باستان‌مدارک، این زبان از آن طولی تا هندگسترش یافته بود. کتیبه لیدیایی و نیز برابرنها دمکتوب آن به آرامی<sup>۱</sup> که در غرب آسیا بدست آمده، یکی از موارد بسیار مهم جهت بررسی زبان لیدیایی بشمار می‌رود. متون آرامی مصر، که هنوز تمام آنها در دست ما نیستند بسیاری از مواضع اختلاف در مورد تاریخ باستان را روشن نموده و برای مطالعات ایرانی نیز بسیار با ارزش می‌باشد<sup>۲</sup>. در شرق، ما به کتیبه‌ای از تاکسیلا Taxila در شمال شرقی هند<sup>۳</sup> و نیز کتیبه آرامی تازه‌یابی در پل درونتا Darunta، نزدیک کابل امروزی در منطقه باستانی لمپاکا<sup>۴</sup> Lampāka دست یافته‌ایم، و همچنین در مطالعات ایرانی، با پیروس‌های اورامان<sup>۵</sup> به خط آرامی، و نیز کتیبه بدست آمده در رشته‌کوه‌های ختا MtsKheta در نزدیکی تفلیس<sup>۶</sup>، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. کتیبه دیگری هم به آرامی در آرامگاه داریوش بدست آمده که نام اردشیر را در بردارد<sup>۷</sup>.

مطلب کوچکی را که من می‌خواهم به آن بپردازم، به شاخه‌ای از خط آرامی در شرق مربوط می‌شود. این خطی را که ما با بدان را "خروشتی" Kharoṣṭhī بنامیم، به وسیله تعدادی از کتیبه‌های شمال شرقی هند، کتیبه‌ای در Khalatse در تبت و نیز سکه‌های هندی، مورد شناسایی قرار گرفته است. در این رابطه، تعداد دکتیری از مدارک نیز در ترکستان چین بدست آمده که به قرن سوم مسیحی مربوط می‌شود. شمالی‌ترین نقطه‌ای که خروشتی در آن یافت شده است سوباشی-لنگر Subaṣhī Lāngār می‌باشد که در شمال "کوشا" در ترکستان چین قرار گرفته است. دوست من M. Jean Filliozat، نیز پاره‌ای از اسناد خروشتی مکشوف در کوشا و متون مربوط به قرن هفتم را به من ارائه نموده است.

خط خروشتی بکار رفته در آن مدارک، از آرا می که در دوره ای چشمگیر شهرت داشت، ریشه می گرفت. خط آرا می، در مرحله آغازین با علائم واکه های  $\bar{a}, e, u, o$  و یک نشانه ساده برای بیان واکه  $a$  جهت ثبت زبان شمال غربی هند، نظام یافته بود. این علائم، برای بیان زبان هندی باستان کافی بنظر می رسید، به همان گونه که ما آن را در سنسکریت می یابیم، اما در گونه های بسیار متحول هندی میانه، که بعدها بکار رفته، وجود علائم فرعی نیز ضرورت یافت.

قدیمی ترین نمونه های ما از خط خروشتی به کتیبه های سنگی  $Aśok$  در قرن سوم پیش از میلاد و پس از آن دوره به سکه های مختلف مربوط می شود. برخی از عوامل سیاسی، از جمله تهاجمات سلاطین صدر سلسله هخامنشی موجب شد که این خط، بعنوان یکی از گونه های خط آرا می در ناحیه سند  $Hinduś$  رواج یابد، زیرا، داریوش در سال ۵۲۱ پیش از میلاد این منطقه را جزئی از امپراطوری خود اعلام کرده بود. کتیبه های تاکیلا و نیز لمپا که مربوط به دوره  $Aśok$ ، هر دو اسنادی هستند که به روشنی کاربرد خط آرا می در این ناحیه را مدلل می دارند.

به هر ترتیب، من قصد دارم که در این یادداشت کوتاه، بحث خود را به نشانه بکار رفته برای عدد "۱۰۰۰" محدود نمایم. این نشانه، اولین بار در اسناد بدست آمده از ترکستان چین مشاهده گردید.  $A. J. Rapson$  در بحث خود مربوط به نشانه های عددی در کتیبه های خروشتی که به وسیله  $Sir Aurel Stein$  در ترکستان<sup>۹</sup> چین کشف شده بود، فقط توانست اظهار کند که این نشانه برای "۱۰۰۰" دارای اصل نا مشخص است. اما، برای کسی که پس از بررسی ومطالعات ایرانی، به این متون هندی می پردازد، همانندی نشانه خروسطی مربوط به  $Krorayina$  (نام قلمروی که این اسناد در آنجا بدست آمده است)، با علامتی که در ایران ساسانی در قرن سوم میلادی برای عدد "۱۰۰۰" بکار می رفت، غیر قابل تردید می باشد.

خوشبختانه، تاریخ این نشانه برای عدد "۱۰۰۰" را می توان در مناطقی که آرا می در آنجا بکار می رفت، ردیابی و دنبال نمود. این تحول را می توان مختصراً "به این گونه شرح داد:

نخستین مورد، در پاپیروسهای آرا می بدست آمده از مصر است که

درواقع نقطه شروع بشمار می‌رود. ما در اینجا ۱۰، در دو نسخه از یک متن، نخست در شماره ۳۱، عبارت KSP KNKRN ALP "برابر ۱۰۰۰ نعمت" را با واژه ALP برای عدد "هزار" که به صورت کامل بتحریر در آمده و سپس در شماره ۳۰، عبارت KSP KNKRYN ILP، را که "الف" آغازی در واژه ALP با واحد شمارش خطی جای بی‌یافته، می‌یابیم. البته، در اعداد دیگر شامل "هزار" نیز، این واحدهای شمارش خطی پیش از واژه LP، به صورت IILP "۲۰۰۰" و IIIIILP "۵۰۰۰" نوشته شده‌اند. ما در داخل قلمرو ایران که از بین لنینرین تا کانسودر شامل غربی چین وسعت می‌یافت، می‌توانیم، گسترش بیشترین واژه را که در میان غیرآرامیان به صورت یک نشانه در آمده و احتمالاً "به اندازه واژه - ALP فهمیده نمی‌شد، ردیابی‌نمائیم.

زبان سغدی<sup>۱</sup>، که ما از آن در قرن حاضر آگاهی یافته‌ایم، در سغد باستان که پایتختش سمرقند بود، صحبت می‌شد، اما به وسیله بازرگانانی که از طریق راه ابریشم تجارت می‌کردند، به آسیای مرکزی و شهرهای بزرگ چین راه یافت. مدارک مربوط به این زبان، به غیر از آرشینو<sup>۲</sup> سلطنتی که در ویرانه‌های قصری در کوه مغ در دره زرافشان کشف شد، از طریق سق دست‌نویس‌هایی که توسط بودائی‌ان، مانویان، و مسیحیان<sup>۳</sup> نوشته شده، و در آسیای مرکز بدست آمده نیز، برای ما بجای مانده است. به این زبان هنوز هم، در دره یغنا ب تکلم می‌شود.

در متون سغدی بودایی، ما به نشانه قرارداد دی به صورت **مکوح** بر می‌خوریم که همان ILP است، با یک علامت قرارداد دی به صورت دایره آغازی که به "واو" سغدی شباهت دارد. شکل کامل آن به صورت NLPW قرائت می‌گردد، ولی معمولاً "به گونه ILPW بکار<sup>۴</sup> می‌رود. [سغدی باستان: **بلم**، سند شماره II].

البته این مسئله کاملاً روشن است که، واژه‌های خارجی که به صورت نشانه در می‌آیند، ممکن است، شیوه‌ای نامتعارف بپذیرند.

ما در ایران قرن سوم میلادی، در کتیبه بزرگ شاپور اول (از ۲۷۲-۲۴۱ میلادی سلطنت کرده است)، که به دو خط رسمی ایران یعنی جنوبی و شمالی و نیز یونانی ثبت شده، به علامتی برخورد می‌کنیم. در سطر ۱۹ تحریر شمالی یا پارسی، عدد "۱۰۰۰" به صورت **الم** که همان ILP،



آورد که اصل آرامی این واژه، در دو حوزه جدا، به صورت کاملاً مستقل از یکدیگر توسعه یافته است، اگرچه، از نظر تاریخی، هر دو مورد بسیار به هم نزدیکند، یعنی، قرن سوم میلادی برای ایران و کمی بعد از آن برای خروسطهی. \*\*

---

یادداشتها :

\* این گزارش ترجمه‌ای است از مقاله‌ها رولد. و. بیلی، تحت

عنوان: A Problem of the Kharosthi Script

مندرچدر Opera Minora جلد ۲، ص ۷-۴۶۵، که به کوشش،

دکتر ما هیارنوابی در سال ۱۹۸۱ در شیراز انتشار یافته است.

\*\* در متن اصلی، شماره پانوشته‌ها، در هر صفحه، از شماره یک شروع

شده است، ولی چون تنظیم اینگونه شماره گذاری در متن ترجمه

امکان پذیر نبود، از این روی، شماره پانوشته‌ها به ترتیب از

۱ تا ۱۴ ترتیب یافت.

1-F.Sommer and P.Kahle, Kleinasiat.Forsch.,

1927, PP. 18-86.

2-E.Sachau, Aram. Pap. u. Ostraka, 1911:A.E.

Cowley, Aram. Pap. of the fifth Century B.C. ,

1923; H.H.Schaeder, Iran.Beiträge, 1930.

3-L.D.Barnett and A.E.Cowley, JRAS, 1915 PP.

340-342; F.C. Andreas, Nachricht.d.Gesell. d.-

Wiss.Zu Göttingen, 1932, P.6F; E.Herzfeld, Epig-

raphia Indica, 19, P.230f.

4-H.Birkeland, Acta Orient., 16, PP.222 ff;

f.Altheim, Weltgesch.Asians im Griech.Zeitalter,

I, PP. 25ff ; W.B. Henning, BSOAS , 13, PP. 80-88.

5-E.H. Minns, Journ. of Hellenic Stud., 35(1915);  
H.S. Nyberg , Monde Oriental, 17, PP. 182 ff.

6-G. Tseretheli, A Bilingual Inscription from  
Armazi, 1941; M. N. Tod, Journ. of Roman Stud., 1944,  
PP. 82 ff; H.W. Bailey , JRAS , 1943, PP. 1ff; H.S.  
Nyberg , Eranos, 44, 1946, PP. 228 ff.

7-E. Herzfeld, Altpers. Inschriften, P. 12.

8-Published in Facsimile in A. Von le Coq ,  
Von Land und Leuten in Ostturkistan, 1928, Pl. 17.

9-Edited by E.J. Rapson, A.M. Boyer , E. Sen-  
art, and P.S. Noble , 1929.

10-A.E. Cowley, Op. Cit., nos. 30.28 and 31.27.  
Facsimiles are given in E. Sachau, Op. Cit.

11-First Published by F.W.K. Müller. Abh.  
Preuss. Akad. Wiss., 1904.

12-A. Freiman Published a List of these  
documents in sogdiiskii sbornik , 1934.

13-M.J. Dresden has given a bibliography  
in EX Oriente lux , Jaarbricht No. 8, 1942 .  
PP. 729-734.

14-See I. Gersheyitch , Trans. Phil. Soc.,  
1948, P. 63.